

دوباره فکر کن



نویسنده: آدام گرانت
مترجمین: طیبہ شیخی، سحر سیادت



سرشناسه: گرانٹ، آدام، ۱۸۵۹ - ۱۹۳۸ م. Grant, Adam

عنوان و نام پدیدآور: دوباره فکر کن / آدام گرانٹ : مترجم سحر سیادت : ویراستار شهرام مجد

مشخصات نشر: قم: مبین اندیشه، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۲۴۸ص: مصور، جدول.

شابک: ۷-۴۶۳-۲۳۹-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت نوان اصلی: ۲۰۲۱، Think again : the power of knowing what you don't know

یادداشت: کتاب حاضر با مترجمین مختلف توسط ناشرین متفاوت فیبا گرفته است.

یادداشت: کتابنامه.

Thought and thinking

Questioning

Knowledge, Theory of

Belief and doubt

موضوع: اندیشه و تفکر

پرسشگری

شناخت (فلسفه)

شک و ایمان

Siyadat, Seyyede Sahar

شناسه افزوده: مترجم ۱۳۶۱ - سحر، سیده

BF۴۴۱

رده بندی کنگره: ۴۲/۱۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۴۷۴۱۸

■ نام کتاب: دوباره فکر کن

□ نویسنده: آدام گرانٹ

□ مترجم: سحر سیادت

□ ویراستار: داود شعبان پور

□ ناشر: مبین اندیشه

□ نوبت چاپ: اول ۱۴۰۲

□ تیراژ: ۵۰۰ نسخه

□ چاپخانه: احسان

□ صحافی: براتی

□ شابک: ۷-۴۶۳-۲۳۹-۶۰۰-۹۷۸

مرکز پخش: تهران، خیابان سردار جنگل شمالی، خیابان لادن

خیابان ارکید، خیابان چمران، کوچه ۱۱، پلاک ۲۶، واحد ۲

همراه: ۰۹۱۲۶۵۱۸۰۳۶

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است

فهرست

پیش‌گفتار.....	۹
بخش اول: بازاندیشی فردی.....	۲۲
فصل ۱: به روز کردن دیدگاه خود.....	۲۲
دومین تفکر.....	۲۴
نگاهی متفاوت.....	۲۶
هرکس که با هوش تراست، سریع تر شکست می خورد.....	۳۱
دست از تردید برندارید.....	۳۴
فصل ۲: منتقد بیرون گود و سندروم ایمنیستر.....	۳۹
یافتن نقطه مطلوب اعتماد به نفس.....	۳۹
داستان دو سندروم.....	۴۱
جهالت ناشی از غرور.....	۴۴
سرگردان در قله ی حماقت.....	۴۷
اشتباه گلدیلاک چی بود.....	۵۲
مزایای شک و تردید.....	۵۵
لیگ تواضع خارق العاده.....	۵۸
فصل ۳: لذت اشتباه.....	۶۱
شور و هیجان باور نکردن هر چی که به آن فکر می کنید.....	۶۱
دیکتاتور همیشه افکار تان را کنترل می کند.....	۶۴
مشکلات وابستگی.....	۶۷
اثر بودا آنچه یاد گرفته ای را فراموش کن.....	۷۰
فصل ۴: باشگاه خوب برای مبارزه.....	۸۳
روانشناسی تعارض سازنده.....	۸۳
مشکل راضی کردن دیگران.....	۸۸
بر سر عدم توافق، توافق نکنید.....	۹۵

۹۸.....	هیجان بدون عصبانیت
۱۰۲.....	بخش دوم: بازاندیشی بین فردی
۱۰۲.....	فصل ۵: رقص با مخالفان
۱۰۷.....	علم معامله (علم توافق)
۱۰۷.....	چی هستیم؟
۱۱۱.....	رقصیدن با یک ریتم
۱۱۵.....	احساسات کسی را جریحه دار نکنید
۱۱۸.....	دکتر جکیل و آقای پرخاشگر
۱۲۲.....	نقاط قوت نظرات ضعیف
۱۲۶.....	فصل ۶: دشمنی به خاطر الماس
۱۲۶.....	کاهش تعصب با حذف کلیشه‌ها
۱۲۶.....	دورس کونگودوین
۱۲۷.....	نفرت از بازی بیسبال
۱۳۱.....	قرارگیری در یک جمع و متمایز بودن از دیگران
۱۳۵.....	فرضیه اول: عدم حضور در گروه خود
۱۳۷.....	فرضیه دوم: همدردی با رقیب
۱۳۹.....	فرضیه سوم: بنده عادت
۱۴۳.....	ورود به دنیای موازی
۱۴۷.....	چطور موسیقیدان سیاه پوست با نژاد پرستان سفیدپوست رودرو می‌شود
۱۵۰.....	فصل ۷: ترویج دهندگان و اکسیناسیون و بازپرس‌های آرام و متین
۱۵۲.....	ایجاد انگیزه از طریق مصاحبه
۱۵۸.....	فرا تراژ کلینیک
۱۶۲.....	هنر گوش دادن مؤثر
۱۶۸.....	بخش سوم: بازاندیشی جمعی
۱۶۸.....	فصل ۸: دوقطبی زدایی گفتگوهای تفرقه انگیز
۱۷۲.....	چند حقیقت ناراحت کننده
۱۷۹.....	برخی تبصره‌ها و احتمالات
۱۸۳.....	احساسات مختلف

پیش گفتار

پس از پروازی سخت، پانزده مرد از آسمان ایالت مونتانا^۱ از هواپیما پایین پریدند. چتر باز نبودند، بلکه آتش نشان های خبره جنگل^۲ بودند که با چتر پایین پریدند تا آتشی را خاموش کنند که روز قبل بر اثر صاعقه شروع شده بود؛ اما در عرض چند دقیقه، آنها برای نجات جان خود تقلا می کردند.

ساعات پایانی بعد از ظهر داغ از ماه اوت سال ۱۹۴۹ بود که ماموران آتش نشانی در بالای "من گولج"^۳ فرود آمدند. آنها شیب دره به سمت رودخانه میسوری^۴ را در حالی طی کردند که آتش سرتاسر دره را فرا گرفته بود. می خواستند با حفریک مسیر مشخص در اطراف منطقه آتش سوزی و احاطه آن، آتش را به سمت ناحیه ای هدایت کنند که خسارت چندانی به دنبال نداشته باشد.

پس از حدود نیم کیلومتر، سرگروه واگنر داغ^۵ دید که آتش از عرض دره عبور کرده است و مستقیماً به سمتشان می آید. ارتفاع شعله ها به ۱۰ متر هم می رسید. به زودی آتش آنقدر سریع زبانه می کشید که می توانست طول دوزمین فوتبال را در کمتر از یک دقیقه بسوزاند.

ساعت ۵:۴۵ دقیقه عصر، مشخص شد که آتش را به هیچ وجه نمی توان مهار کرد. داغ که فهمیده بود وقت آن رسیده است تا فرار را بر فرار ترجیح دهند، بلافاصله به گروه خود گفت برگردند و از سرایشی بالا بروند. آتش نشانها باید از شیب بسیار تندی که زمین صخره ای اش پوشیده از علفهای بلند بود، به سرعت بالا می رفتند. در عرض هشت دقیقه، آنها تقریباً چهار صد و پنجاه متر را طی کردند. تا بالای دره کمتر از صد و هشتاد متر مانده بود.

در حالی که منطقه امن در دیدرس آنها بود، ولی آتش هم به سرعت پیشروی می کرد. داغ کاری انجام داد که افراد گروهش مات و مبهوت ماندند. او به جای اینکه تلاش کند از آتش فرار کند، ایستاد و خم شد. قوطی کبریتی بیرون آورد،

1 Montana

۲ که با چتر نجات به محل مورد نیاز فرود می آیند

3 Mann Gulch

4 Missouri

5 Wagner Dodge